

هویت جمعی کلان (مذهبی - جهانی) و اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان تاجیکستان، شهر دوشنبه)

مالک ملکشاهی^۱، یارمحمد قاسمی^۲، قربان گیایف^۳

از صفحه ۱۴۱ تا ۱۶۲

چکیده

در این مقاله، رابطه بین هویت جمعی کلان (مذهبی و جهانی) با اعتماد اجتماعی جوانان شهر دوشنبه مورد تبیین قرار گرفته و از رویکرد نظری گیدنز به عنوان نظریه غالب جهت بررسی رابطه مذکور استفاده شده است. روش تحقیق آن از نوع پیمایشی، ابزار آن پرسشنامه و جامعه آماری مورد مطالعه، کلیه جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله (دختر و پسر) شهر دوشنبه با تعداد ۱۸۹۰۴۱ نفر است که تعداد ۳۸۳ نفر از آن‌ها به عنوان نمونه آماری انتخاب و مطابق روش نمونه گیری تصادفی ساده مورد سنجش قرار گرفتند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین هویت جمعی (کلان) و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و مهم‌ترین (مطلوب‌ترین) هویت جمعی از نظر جوانان شهر دوشنبه، هویت جهانی است. هم‌چنین ضریب تعیین مدل رگرسیونی ارائه شده ۱,۵۹ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد هویت‌های جمعی ۱,۵۹ درصد اعتماد اجتماعی جوانان را توضیح می‌دهد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که هویت جمعی جوانان تاجیکستان در فاصله قریب به ۲۰ سال که متأثر از نوعی اقلیت ملی (تاجیکی) بود متحول شده و به سمت هویت‌های کلان دینی و جهانی بسط پیدا کرده است.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، هویت جمعی، هویت مذهبی، هویت جهانی.

۱. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان، مدرس گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور،

Email: malek.m87@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه ایلام - ایران Email: ym_ghasemi2004@yahoo.com

۳. دانشیار گروه فلسفه اجتماعی دانشگاه آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان Email: kgiyoev@mail.ru

مقدمه

«هنگامی که فرد یا گروهی در برابر این سؤال قرار می‌گیرد که من «کی هستم» یا ما «کی هستیم» و چگونه و تحت چه معیارهایی از دیگران متمایز می‌شویم، بلافاصله موضوع هویت مطرح می‌شود» (قاسمی، ۱۳۸۲: ۱۷). هویت مجموعه عناصری از شخصیت فرد است که به وی امکان می‌دهد تا موضع خود را نسبت به جهان و دیگران مشخص کند، به معنی کیستی و هستی یک فرد، گروه، جامعه، ملت، و فرایند ساخته شدن معنا برپایه دسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی است که بر دیگر منابع برتری دارد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۳). هویت همواره متعدد و متکثر است، بیش‌تر در دو سطح مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. سطح فردی؛ از مهم‌ترین مباحث جامعه‌شناسی است و بر اساس تعلق خانوادگی ارزیابی می‌شود. لذا بشر در طول تاریخ، هویت داشته و انسان‌ها و جوامع به دنبال کسب هویت و در عین حال موافق و پیشگام در تغییر و تبدیل هویت، متناسب با شرایط زمان خود گام بر می‌دارند و با تکیه بر منابع معرفتی خود (دین، ایدئولوژی سیاسی، حافظه جمعی و فرهنگ) به نوعی درصدد حفظ هویت هستند و برای رسیدن به این هدف، ناچار به طی روند تولید نمادهای هویتی و نقد مستمر آن هستند (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۷۹). هویت در سطح جمعی؛ جنبه منحصر به فرد یک گروه خاص با دارا بودن ویژگی‌های مشترک است، عموماً این مفهوم محصول عضویت افراد در گروه‌های مختلف اجتماعی است و منعکس‌کننده خاستگاه گروهی است که فرد به آن تعلق دارد (چلبی، ۱۳۷۵: ۳۸). چنین تعلق‌ی موجب احساس همبستگی و شکل‌گیری یک واحد جمعی می‌شود که با عنوان «ما» از ماها و گروه‌های دیگر جدا می‌شود (عبداللهی، ۱۳۷۶: ۶۳). هویت جمعی نشأت گرفته از جایگاه و تعلق فرد به جامعه است و انسان‌ها در هویت جمعی خود نیز تعهداتی از قبیل هویت جنسی، سنی، نژادی، قومی، مذهبی، طبقاتی، منطقه‌ای، ملی و فراملی دارند. بنابراین هیچ‌یک از این هویت‌ها در تقابل با یکدیگر نیستند. بلکه هر کدام از نظر اهمیت و جایگاه دارای وزن خاص خود هستند، ماهیتی پویا داشته و همواره در حال تغییر و تحول‌اند. هویت دینی، از انواع هویت‌های جمعی است، احساس تعلق و تعهد فرد نسبت به باورها، احکام و ارزش‌های دینی است. و به عنوان هویت جمعی متضمن آن سطح از دینداری است که با مای جمعی یا همان اجتماع دینی یا امت، مقارنت دارد. که دارای ابعادی هم‌چون رابطه فرد با خویشان، با خدا، با جهان هستی و رابطه فرد با جامعه است (حاجیان، ۱۳۸۸: ۴۳۶-۴۳۵). نوع دیگر هویت، هویت جهانی است که ترکیبی از گرایش‌ها، احساسات و ادراک‌های مربوط به عناصر و ارزش‌های جهانی

می باشد که باعث وحدت و انسجام جهانی شده و در کل بخشی از هویت فردی را تشکیل می دهد (محمدبخش و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲). «جهانی شدن در هم گره خوردن رویدادهای اجتماعی و روابط اجتماعی سرزمین های دور دست با تار و پود موضعی و یا محلی دیگر است. پدیده ای که می توان آن را نوعی تلاقی حاضر و غایب دانست (گیدنز ۱۳۷۷: ۴۳). در واقع «جهانی شدن هویت از یکسو وابسته به گسترش ارتباط عمومی است و از سوی دیگر ارتباط همگانی نیز منوط به شکل گیری هویت عام است» (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۰). تحولات دنیای جدید و تقسیم کار بین المللی، پایان جنگ سرد، گسترش مهاجرت ها و ... باعث توجه به هویت های گروهی شد و بررسی هویت های گروهی و اجتماعی یکی از نگرانی های علوم اجتماعی در دوران اخیر بوده است. در جوامع معاصر که زندگی جدید گسترده تر گردیده و هویت های محلی و قومی جای خود را به هویت های ملی و حتی فراتر از آن داده اند و تفکیک نقش اجتماعی به شدت گسترش یافته است افراد نیازمند به گسترش دامنه اعتماد خود هستند و اعتماد خود را از سطح پیوند خانوادگی، خویشاوندی و محلی به کلیه شهروندان و حتی بیگانگان وسعت بخشند (وثوقی، ۱۳۸۸: ۱۳۵). بنابراین دستیابی به هویت جمعی بدون در نظر گرفتن اعتماد اجتماعی میسر نیست. از این منظر، متن حاضر بر آن است تا به بررسی رابطه هویت جمعی کلان (مذهبی - جهانی) و اعتماد اجتماعی در شهر دوشنبه تاجیکستان پردازد.

طرح مسأله

هویت از نیازهای روانی انسان و پیش نیاز هرگونه زندگی اجتماعی است. بدون چارچوبی برای تعیین هویت، افراد همانند یکدیگر خواهند بود و هیچ کدام از آنها نمی توانند به صورتی معنادار و پایدار با دیگران ارتباط و پیوند یابند. همچنین، جوامع انسانی نیز در صورتی به عنوان یک جامعه مستقل شناخته می شوند که از دیگر جوامع تمایز و تفاوت داشته باشند. در واقع بدون وجود «شباهت ها (و) تفاوت ها»، افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباطی معنادار و مستمر را میان خود و جوامع دیگر نخواهند داشت (برتون، ۱۳۸۰: ۲۴). لذا بدون هویت اجتماعی، در واقع جامعه ای وجود نخواهد داشت. علاوه بر این هویت به زندگی افراد معنا می بخشد. کاستلز معتقد است که «هویت فرایند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی های فرهنگی که بر دیگر منابع معنا برتری دارند، می باشد» (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۵).

اریکسون در تعریف هویت می گوید: «هویت یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود است». بر اساس دیدگاه اریکسون «علی رغم تغییر رفتارها، افکار و

احساسات، برداشت یک فرد از خود همواره مشابه است. علاوه بر این اریکسون می گوید این احساس که ما «چه کسی هستیم» باید با نگرشی که دیگران نسبت به ما دارند نسبتاً همخوان باشد. این مسأله بر اعتقاد اریکسون در اهمیت رابطه بین «خود» و «جامعه» تأکید دارد (بیابانگرد، ۱۳۷۹: ۱۲۳). در تعریفی دیگر از هویت گفته شده است: «هویت عبارت است از مجموعه خصایصی که شخص یا احساس درونی را تعیین می کند. احساس هویت از مجموعه متفاوت احساس ها ترکیب می شود، مانند: احساس وحدت، احساس هم سازی، احساس تعلق، احساس ارزش، احساس استقلال و احساس اعتماد سازمان یافته بر محور اراده موجود» (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۹). از این منظر می توان هویت و احساس هویت را در برساختن احساس وحدت، هم سازی، تعلق و اعتماد موثر دانست.

از سوی دیگر؛ اعتماد یکی از مؤلفه های اصلی سرمایه اجتماعی است که می تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارائی جامعه را بهبود بخشد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). از سوی دیگر با ارزش های فرامادی گرایانه پیوند دارد، توأم بودن با اجتماع محلی، انسجام موزونی روابط بین شخصی حکایت از اهمیت موضوع اعتماد دارد (اشتومپکا، ۱۳۸۷: ۳۴). بنابراین اگر اعتماد را یکی از لوازم ضروری زندگی اجتماعی در دنیای مدرن بدانیم، اهمیت آن کم و بیش آشکار می شود و انسان ها در زندگی روزانه و در انواع و اقسام فعالیت های خود باید به یکدیگر اعتماد کرده و روابط خود را براساس آن بنا کنند. اعتماد فرد به دیگران، اعتماد به واحدها و نهادهای اجتماعی، کارکردهای نظام اجتماعی را تسهیل کرده و در نظم اجتماعی مؤثر است (امیرکافی، ۱۳۸۶: ۲۹۴). از این رو اعتماد اجتماعی از جمله پدیده هایی است که در روابط و تعاملات انسانی نقش حیاتی ایفا می کند از سطح خرد (خانواده) گرفته تا سطح کلان (جامعه) و حتی در سطحی فزاینده (جهانی) که تسهیل گر روابط انسانی است ادامه می یابد. در جوامع سنتی که قلمرو زندگی در محدوده و تفاوت آشنا و غریبه است تمایز آشکاری است، فرد تنها و اغلب به خانواده و گروه های محلی و در یک کلام به خودی ها اعتماد می ورزد و بیگانگان غیر قابل اعتمادند و چه بسا با آنها خصومت می ورزد (تونکیس، ۱۳۸۷: ۱۴). در رابطه اعتماد حداقل دو طرف وجود دارد: اعتماد کننده و امین، فرض این است که هر دو طرف هدف مند هستند و هدف آن ها تأمین منافع شان است. صرف نظر از این که منافع چه باشند (کلمن، ۱۳۹۰: ۱۵۴). از این منظر، پایه اصلی نظم اجتماعی است: «اجتماعات بر اساس اعتماد دو طرفه استوار هستند و بدون آن خلق الساعه به وجود نمی آیند» (Fukuyama, F. ۱۹۹۵، ۲۶-۲۵) بر این اساس، اعتماد و تعامل در فضای خاص ارتباطات اجتماعی



شکوفای می شود، اما بدون ارتباطات اجتماعی وجود مستقلی ندارد (فیلد، جان، ۱۳۸۵: ۲۱۳). فضای بی‌اعتمادی در جامعه آن‌هم در سطح کلان، نه تنها مانع همبستگی ملی و انسجام اجتماعی بلکه معضلی در راه توسعه است. در حالی که با همکاری و اعتماد اجتماعی در بین اقوام و نژادهای مختلف این امر مهم راهبردی می‌گردد. راجع به هویت جمعی و اعتماد اجتماعی به تفکیک تحقیقات متعددی انجام شده، این تحقیقات از حیث فهم موضوع (هویت و اعتماد) و شاخص‌های آن برای ما مهم بوده‌اند. اما درباره ارتباط این دو تاکنون پژوهشی درخور، انجام نشده است به همین دلیل، مقاله حاضر بر این باور است که توانسته است، مسأله‌ای جدید را بررسی کند. اهمیت این مسأله از آن‌جا دو چندان می‌گردد که به رابطه این دو (اعتماد اجتماعی و هویت جمعی) در بین قشری پرداخته می‌شود که از نظر کمی و کیفی در میان سایر اقشار جامعه از جایگاه بالایی برخوردارند و آینده نیز در دستان آنان است. علاوه بر آن، مطالعه مورد نظر در جامعه‌ای صورت می‌گیرد که در مقایسه با جامعه ملی، منحصر به فرد و بی‌همتا است. از این‌رو مطالعه حاضر در نظر دارد به این سوال پاسخ دهد که جوانان از چه سطحی از هویت جمعی کلان و اعتماد اجتماعی برخوردارند و رابطه این دو متغیر در بین آنان چگونه است؟

اهداف پژوهش

الف - هدف اصلی:

بررسی رابطه بین هویت جمعی کلان (مذهبی و جهانی) با اعتماد اجتماعی در میان جوانان شهر دوشنبه است

ب - هدف‌های ویژه:

- شناخت میزان اعتماد اجتماعی جوانان (دختر و پسر) در جامعه مورد بررسی
- تعیین میزان تعلق خاطر جوانان نسبت به هویت‌های جمعی (مذهبی و جهانی)
- تبیین رابطه هویت‌های جمعی کلان و اعتماد اجتماعی در بین جوانان
- تعیین نوع هویت جمعی مطلوب و تأثیر گذار از نظر جوانان

ضرورت و اهمیت تحقیق

همه ما در موقعیت‌های مختلف با هویت‌های متعددی سر و کار داریم و به تبع موقعیت و شرایطی که در آن قرار داریم خود را تعریف می‌کنیم. مرزهای نفوذ ناپذیر بین مقولات و گروه‌های هویتی دیگر مستحکم نیستند، بلکه به شدت آسیب پذیر و شکننده‌اند. دنیای ارتباطات پیش‌آهنگ این تغییرات است. منابع و ابزارهای اصلی ساخت و حفظ هویت‌ها عبارتند از: مکان و فضا، زمان، دین،

زبان و فرهنگ که مهم‌ترین و غنی‌ترین منبع هویتی به شمار می‌رود. در گذشته این منابع (مکان و فضا، زمان، فرهنگ و زبان) به خوبی از عهده انجام کار هویت سازی افراد بر می‌آمدند، ولی امروزه، وسایل نوین ارتباطی و فرایند جهانی شدن با متحول ساختن فضا و زمان و جدا کردن آنها از مکان، فضای انحصاری که در اختیار دولت- ملت‌ها بوده تا هویت سازی کنند را از بین برده و در نتیجه توانایی جوامع در هویت سازی و هویت یابی افراد به میزان بسیار زیادی کاهش یافته است (عباسی قادی و خلیلی کاشانی، ۱۳۸۷: ۲۸). به بیان دیگر، در دنیای مدرن امروزه فرایند هویت یابی هم‌چون سایر اشکال زندگی روزمره به افراد واگذار شده است؛ امری که آنتونی گیدنز تحت عنوان سیاست زندگی از آن نام می‌برد. سیاست زندگی مبتنی بر تلاش، انتخاب و بازاندیشی و تعامل فرد در میان گزینه‌های گوناگون در محیطی بازاندیشانه است که دیگر سنت نقشی در ارایه الگو و معیار در زندگی روزمره افراد ندارد. امری که به واسطه جهانی شدن ایجاد شده است (نش، ۱۳۸۲: ۹۱). پیوتر اشتومپکا (۱۹۹۹) با بررسی آثار و نوشته‌های اندیشمندان مختلف، به جنبه‌های مهم و ضروری اعتماد پرداخته و معتقد است که در جوامع معاصر، ویژگی‌های منحصر به فردی وجود دارند که منجر به اهمیت و ضرورت یافتن مسأله اعتماد اجتماعی می‌شوند. به طوری که زندگی در جوامع جدید و معاصر بدون توجه به اعتماد، امری ناشدنی و اجتناب‌ناپذیر است. همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی در بسیاری از جوامع از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. «در کشورهای صنعتی و غیرصنعتی، پژوهش‌ها بیانگر آن است که با کاهش اعتماد اجتماعی، بحران شخصیت و هویت افزایش می‌یابد». (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۵۳-۲۵۰). بنابراین هویت جمعی لازمه اعتماد اجتماعی است و هرگونه تأخیر یا انحراف در شکل‌گیری هویت جمعی می‌تواند منجر به پراکندگی یا بحران در اعتماد اجتماعی در رابطه با جوانان شود، این امر بسیاری از نابهنجاری‌های فردی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت، به همین منظور دولت‌مردان و نظام سیاسی هر جامعه‌ای در خصوص مکانیسم شکل‌گیری اعتماد اجتماعی اهمیت بسزایی قائل‌اند. بر این اساس جامعه‌ی تاجیکستان که از تاریخ و تمدن دیرپا و فرهنگ غنی برخوردار است و جوانان به‌عنوان بدنه فعال، پویا و پراکنگیزه ملت، بهترین منابع انسانی در زیست جمعی محسوب شده، سهم مؤثری در تضمین حیات فرهنگی و ملی جامعه دارند. تحقق هویت جمعی در بین جوانان، نه تنها سبب افزایش درجه امید به آینده و اعتماد آنان به نهادهای اجتماعی است بلکه تضمین‌کننده نقش جوانان در زیست جمعی جامعه به واسطه دارا بودن انرژی‌های فراوان، حساسیت سنی و اجتماعی



این قشر عمده از جامعه در آینده است. بر این اساس ضروری به نظر می‌رسد که به بررسی هویت جمعی کلان (مذهبی - جهانی) با اعتماد اجتماعی در بین جوانان شهر دوشنبه پرداخته شود.

بررسی مطالعات تجربی

همان‌طور که در مقدمه گفته شد، در حوزه مورد مطالعه یعنی هویت جمعی کلان و اعتماد اجتماعی تحقیقات تجربی درخوری صورت نگرفته است اما بررسی‌های جانبی و مرتبط، آن‌هم به صورت مستقل در جهان و ایران صورت گرفته که به طور کلی می‌توان تحقیقات انجام شده در این زمینه را به لحاظ موضوعی در دو مقوله دسته بندی نمود.

دسته اول: تحقیقاتی که هویت‌های جمعی را محور اساسی کار خود قرار داده‌اند (تل‌اُزِ آدام حسینوویچ ۲۰۱۱، یورس اونا ۲۰۱۰، قادرزاده ۱۳۸۹، لهراسبی و جریبی ۱۳۸۸، شازی موف ۲۰۰۶، توسلی وقاسمی ۱۳۸۳، پستی ۲۰۰۳، گایووف ۱۹۹۹، چلبی ۱۳۷۷، آخوندی ۱۳۷۷، رزازی فر ۱۳۷۶، سینیرلا ۱۹۹۷، عبدالهی ۱۳۷۴، کستلز ۱۹۹۲)

دسته دوم: تحقیقاتی هستند که هرکدام از منظری خاص به موضوع اعتماد اجتماعی پرداخته‌اند: (آراسته و همکاران ۲۰۱۰، محسنی تبریزی و همکاران ۱۳۸۷، قریشی راد و صداقت ۱۳۸۸، زهرایی ۱۳۸۷، حیدرآبادی ۱۳۸۷، پاکستون ۲۰۰۵، هاروی و همکاران ۲۰۰۹، عباس زاده ۱۳۸۳، اسکور ۱۹۹۶، ایوانز کارن و پنی ۱۹۹۶، لیبرگ ۱۹۹۵، جین جوی و آندر ۱۹۹۵).

بنابراین ملاحظه می‌شود تحقیقات پیشین صرفاً یک متغیر بررسی کرده‌اند، پژوهش حاضر می‌خواهد رابطه دو متغیر را بررسی نماید تلاشی که موجب پر شدن این خلاء علمی خواهد بود.

ملاحظات نظری و مفهومی

فوکویاما اعتماد را انتظاری می‌داند که بر پایه یک سری رفتارهای منظم، صادقانه و مشارکتی (براساس هنجارهای مشترک متداول) در فرد نسبت به سایر افراد آن اجتماع به وجود آید (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۳۷). کلمن اعتماد را «وارد کردن عنصر خطر در کنش با دیگران دانسته و اعتماد را با مخاطره در ارتباط می‌داند» (کلمن: ۱۳۹۰، ۲۷۱) به اعتقاد پاتنام؛ اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری بوده و حاصل پیش‌بینی پذیری رفتار دیگران است که در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود، اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد

غیر شخصی تر با شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت دارد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۳۴). از نظر زتومکا، اعتماد راهبردی است که افراد را قادر می سازد تا خود را با محیط اجتماعی پیچیده وفق دهند و از فرصت های فزاینده سود ببرند (اشتومپکا، ۱۳۸۷: ۵۰). اعتماد اجتماعی عنصر فرهنگی جوامع مدرن و پیش نیاز فرهنگی دموکراسی لیبرال باثبات است. دموکراسی ها با حوزه جامعه مدنی که دارای انجمن های داوطلبانه است، مستلزم اعتماد بین غریبه هاست که این نهادهای عمومی را حفظ کند. هرگاه دایره اعتماد محدود به دوستان و خانواده باشد، در بنیان های فرهنگی فساد ایجاد می شود، چون نظام اخلاقی دوگانه ای به وجود می آید: رفتار خوب با دوستان و خانواده و رفتاری نه چندان مطلوب با عموم و غریبه ها، (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴). فوکویاما عنوان می کند، بین سطح اعتماد با پیشرفت جوامع ارتباط معنی داری وجود دارد. به عقیده وی جوامع توسعه یافته در مقایسه با جوامع دیگر از سطح اعتماد بالاتری برخوردارند. وی در این باره می نویسد: «خوشبختی یک ملت و همین طور توانایی اش برای رقابت منوط است به داشتن یک ویژگی فرهنگی واحد فراگیر که آن سطح اعتماد در جامعه است» (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۲۴).

گیدنز اعتماد^۱ را به عنوان اطمینان یا اتکاء به نوعی کیفیت یا صفت یک شخص، یک چیز یا اطمینان به حقیقت یک گفته تعریف می کند. (گیدنز: ۱۳۷۷: ۳۷) یکی از مباحث اصلی گیدنز پرداختن به جایگاه اعتماد و نقش آن در توسعه جامعه انسانی است، «اعتماد بنیادین چیزی است که موجب احساس امنیت وجود است، و راهبر انسان در نقل و انتقال ها، خطرات حاصل از زندگی اجتماعی و کلیه ارتباطات اجتماعی انسان می باشد» از نظر او اعتماد یکی از مهم ترین مؤلفه های سرمایه ی اجتماعی است، که باعث شکل گیری هویت های فردی، محلی و ملی می گردد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۶۵۶). به نظر وی، هویت اجتماعی افراد بر اساس خودآگاهی و هم توسط شرایط و موقعیت های اجتماعی در زمان و مکان شکل می گیرد. هم چنین معتقد است که عملکردهای اجتماعی، روند بازتابی بودن آن، عقلانیت و خودآگاهی فرد و بازاندیشی آن هویت فرد را همیشه در فرایند ساخت یابی قرار می دهد. خصوصاً در عصر جدید که نهادهای امروزی هم دخالت دارند. به زعم وی هر چیزی در زندگی اجتماعی از آن چه سیستم های جهانی در بر می گیرند تا آن چه که وضعیت فکری یک فرد محسوب می شود در یک کردار و راه و رسم اجتماعی به وجود می آید (گیدنز، ۱۳۸۳: ۸۱). براین اساس همیشه باید هویت خودمان را براساس زمان، مکان و فضا و تحت شرایط مختلف مورد مشاهده،

تجدید نظر و بازبینی قرار دهیم. هر اندازه سنت نفوذ خود را از دست می دهد و زندگی روزمره بر حسب تعامل دیالکتیکی محلی و جهانی بازسازی می شود، افراد به چانه زدن بر سر گزینش شیوه زندگی خود از بین گزینه های گوناگون وادار می شوند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۸۳). بنابراین هویت فرد الزاماً باید در ارتباط با تغییرات سریع زندگی اجتماعی (به مقیاس محلی و جهانی) شکل بگیرد، دگرگون شود و به طور بازتابی استحکام یابد و افراد فعال در اجتماعات وسیع تر ضمن احترام به هویت های کوچک تر به هویت های عام تر گرایش بیش تری پیدا کنند.

از نظر گیدنز «باورداشت های مذهبی کارشان این است که معمولاً به تجربه رویدادها و واقعیت ها، اعتماد تزریق می کنند و چارچوبی را فراهم می سازند که در آن این رویدادها و موقعیت ها را می توان تبیین کرد و در برابر آن ها واکنش نشان داد» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۲۲). از نظر وی «ایمانی که پیش فرض اعتماد است و نخستین بار شامل مواظبت کنندگان کودک می شود، حفاظت نهادی اش از مذهب، سازمان یافته است. اعتماد زاییده مواظبت، در واقع معیار واقع بودگی یک دین معین است» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۲۴). طبق نظر او بیش تر موقعیت های زندگی اجتماعی مدرن، با دین به صورت نفوذ حاکم بر زندگی روزانه سازگاری ندارند و باورداشت های مذهبی جایش را به دانش بازانديشانه داده است. «دین و سنت همیشه پیوند نزدیکی با هم داشته اند و بازانديشی مختص زندگی اجتماعی مدرن است که مغایرت مستقیم با سنت دارد، و سنت را بیش تر از دین تضعیف کرده است.» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۳۰) از نظر وی در جوامع (سنتی) پیش از مدرن، مذهب برای افراد بسیار حائز اهمیت است و نقش مؤثری در امور اجتماعی دارد، اما با گذار جامعه و در حالت اجتماعی شدن (مدرنیته) نقش مذهب در میان افراد انسانی کم رنگ تر، و یا اهمیت خود را از دست می دهد. با تکیه بر این پشتوانه نظری، اکنون فرض ما این است که جوانانی که به هویت مذهبی تعلق خاطر بیشتری دارند اعتماد آنان از نوع بین شخصی است.

گیدنز معتقد است هر چقدر هویت، جهانی شود، اعتماد افراد تعمیم یافته است و نوعی بی تفاوتی مدنی بوجود آمده و تغییر شکل در صمیمیت به وجود می آید. وقتی جامعه محلی است، صمیمیت نیز محلی است. چیزهای خاصی به ما صمیمیت می بخشند مانند «خون» - «نسب»، اما به محض این که از جامعه پیش از مدرن به سوی مدرن حرکت کنیم، روابط عاطفی و صمیمیت به بی تفاوتی مدنی سوق می یابد، هر چقدر بی تفاوتی مدنی در جامعه بیش تر باشد گرایش به سمت هویت جهانی بیش تر گردیده و همین طور اعتماد به سمت اعتماد تعمیم یافته گسترش

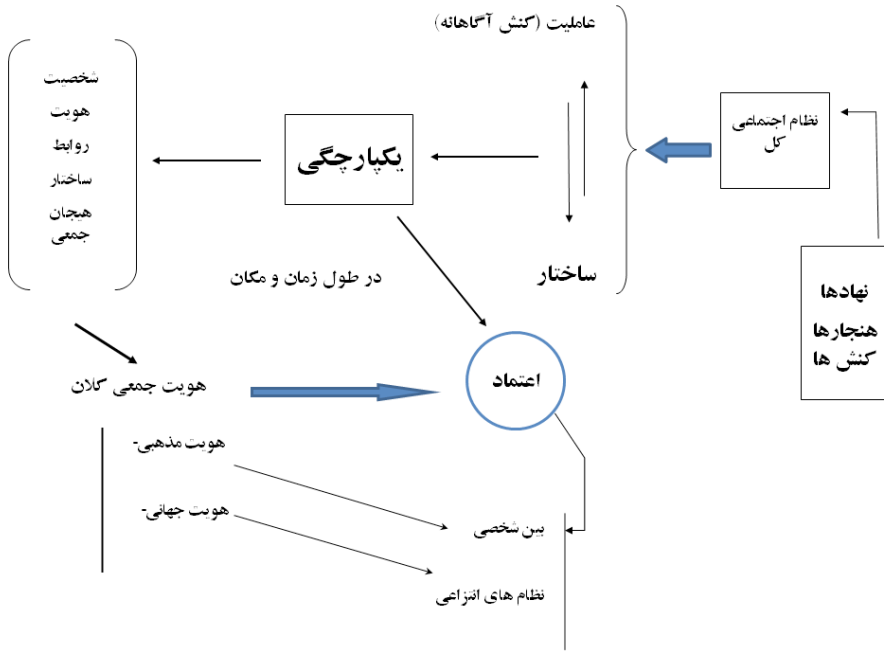
می یابد. فرض ما این است، جوانانی که به هویت جهانی تعلق خاطر بیش تری دارند، اعتماد آنها به نظام های انتزاعی بیش تر است.

به نظر گیدنز رابطه بین فاعلیت و ساخت؛ رابطه ای دو طرفه است. از این رو ساخت اجتماعی هم وسیله و هم برآیند اعمالی است که نظام اجتماعی را می سازد. در نظریه ساخت یابی، جهان یک کل واحد است که نهادها، هنجارها و کنش ها در آن دائماً شرایط و موقعیت های نامنظم و تصادفی را به وجود می آورند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۸).

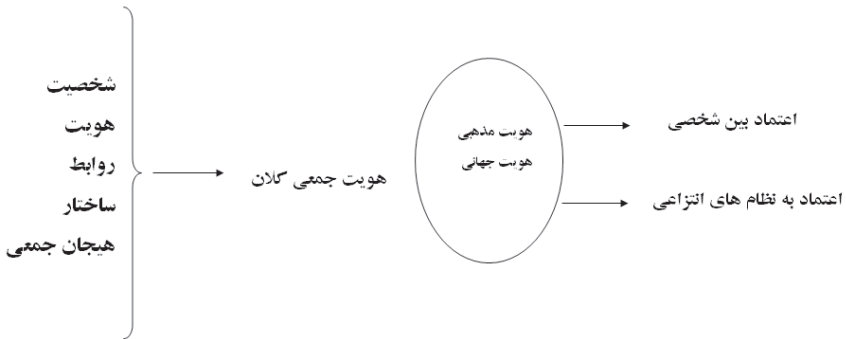
به طور کلی در نظریه گیدنز نظام اجتماعی شامل: نهادها، هنجارها و کنش هاست. که این نظام اجتماعی در تعامل عاملیت و ساختار منجر به یکپارچگی و انسجام می گردد، در این نظریه یکپارچگی در شاخص های شخصیت، هویت، روابط ساختار و هیجانات جمعی است که در طول زمان و مکان به اعتماد می انجامد. اعتماد هم شامل؛ اعتماد به افراد خاص، اعتماد عمومی و اعتماد به نظام های انتزاعی است. از سوی دیگر، با شکل گیری نظام شخصیتی افراد، هویت جمعی در معنای عام آن در بین کنش گران ایجاد می گردد، در این تحقیق هویت جمعی کلان شامل؛ هویت مذهبی و جهانی است که با توجه به شرایط زمانی و مکانی می تواند بر اعتماد تأثیر گذار باشند. از مجموع کندو کاو در تعاریف و مباحث نظری چنین استنباط می شود که هویت و اعتماد به عنوان یک ویژگی در روابط اجتماعی و یا نظام اجتماعی، به طور کلی به عنوان یک ویژگی جمعی مفهوم سازی شده است. گیدنز با طرح تئوری ساختاربندی سطح مطالعه ساخت و کنش به بررسی و تحلیل مفهوم اعتماد و هویت پرداخته است. در این تحقیق نیز تئوری ساختاربندی^۱ گیدنز (ساختار- عاملیت) به خاطر جامعیت بیش تر در تبیین رابطه بین اعتماد اجتماعی و هویت جمعی، به عنوان مدل و چارچوب نظری مورد استفاده قرار گرفته است.

مدل نظری

فرضیه های تحقیق



مدل مفهومی (علی)



فرضیه اصلی: به نظر می رسد هویت های جمعی کلان بر شکل گیری اعتماد

اجتماعی مؤثراند.

فرضیه فرعی ۱: به نظر می رسد جوانانی که به هویت مذهبی تعلق خاطر

بیش تری دارند، اعتماد بین شخصی در بین آنان بیش تر است.

فرضیه فرعی ۲: به نظر می‌رسد جوانانی که به هویت جهانی تعلق خاطر بیش تری دارند، اعتماد آن‌ها به نظام‌های انتزاعی بیش تر است.

متغیرهای تحقیق

هویت جمعی شناسه آن قلمرویی از حیات اجتماعی است که فرد با ضمیر «ما» خود را بدان متعلق و مدیون می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف کند. این هویت‌های جمعی را می‌توان در سطح ترتیبی، از کوچک و خاص به بزرگ و عام، مثلاً از هم‌فامیلی، هم‌طایفه یا هم‌محله، هم‌روستا، هم‌قوم، هم‌زبان، هم‌مذهب، هم‌وطن و هم‌نوع دسته‌بندی کرد (عبدالهی، ۱۳۷۶: ۶۳). در این مقاله هویت جمعی با شاخص‌های هویت مذهبی و هویت جهانی سنجیده می‌شود.

تعریف نظری	تعریف عملیاتی	مفاهیم
مجموعه‌ای نسبتاً پایدار و ثابت از ایستارهایی است که فرد از رابطه‌ی خود با دین در ذهن دارد.	برای این متغیر ۶ گویه (تعلق داشتن به جامعه اسلامی جهانی، اولویت دادن به مسلمان بودن، افتخار به جامعه جهانی، اول مسلمانم بعد تاجیک، ارجحیت دین بر سایر امور، ...) در سطح سنجش رتبه‌ای طراحی گردید و در ۴ سطح بر اساس مقیاس رتبه‌ای سنجیده شده و بر مبنای این مقیاس از ۱ تا ۴ محاسبه گردید. یعنی: (بسیار زیاد = ۴ زیاد = ۳ کم = ۲ بسیار کم = ۱)	هویت مذهبی
ترکیبی از گرایش‌ها، احساسات و ادراک‌های مربوط به عناصر و ارزش‌های جهانی می‌باشد	به منظور عملی کردن این متغیر، ۴ گویه (انسان بودن، تعلق خاطر به نوع بشر، ترجیح دادن هم‌وطن و هم‌دین بر غیر، قابل احترام بودن همه انسانها) در چهار سطح (بسیار موافقم = ۴ موافقم = ۳ مخالفم = ۲ بسیار مخالفم = ۱) با مقیاس رتبه‌ای سنجیده شد.	هویت جهانی
انتظاری است که از یک جامعه برخوردار از رفتار منظم، دارای روابط صادقانه و مبتنی بر تعاون بر می‌خیزد.	از ترکیب شاخص‌های اعتماد بین شخصی، اعتماد عمومی و اعتماد نهادی که شامل ۲۸ گویه و با مقیاس رتبه‌ای سنجیده شده است.	اعتماد اجتماعی

روش تحقیق

در این مقاله از روش پیمایش اجتماعی استفاده شده است. هویت جمعی متغیر مستقل و اعتماد اجتماعی متغیر وابسته می باشد. جامعه آماری این پژوهش را جوانان ۱۸-۲۹ ساله شهر دوشنبه تشکیل می دهند. بنا به اطلاعات جمع آوری شده بر اساس آمارگیری سال ۲۰۱۰ مرکز آمار جمهوری تاجیکستان، تعداد کل جمعیت کشور ۵۰۲,۵۶۴,۷ نفر، جمعیت شهر دوشنبه ۸۴۴,۷۲۴ نفر و تعداد کل جوانان (دختر و پسر ۱۸ تا ۲۹ سال) شهر دوشنبه ۴۱,۱۸۹ نفر اعلام گردید که از این تعداد، ۹۱۴۹۵ پسر و ۹۷۵۴۷ دختر در چهار ناحیه پراکنده شده اند. شیوه نمونه گیری، به صورت تصادفی، خوشه ای چند مرحله ای است که با استفاده از تقسیم بندی شهر دوشنبه به چهار ناحیه (خوشه) به تناسب جمعیت هر ناحیه صورت می گیرد. برای انتخاب حجم نمونه، با استفاده از فرمول ککران تعداد ۳۸۳ نفر تعیین، که تعداد ۱۸۵ نفر پسر و ۱۹۸ نفر دختر هستند. جهت گردآوری اطلاعات از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است که در نهایت ۳۶۸ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای تعیین پایایی شاخص های آلفای کرونباخ محاسبه گردید که میانگین پایایی یا اعتماد شاخص ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای سؤالات پرسشنامه برابر ۰,۸۳, ۰,۸۳ به دست آمده است. با توجه به اینکه آلفای کرونباخ بیش تر از ۰,۷۰ برای هر کدام از مقیاس هاست نشانگر آن است که گویه ها از دقت بالایی برخوردارند. در نهایت تجزیه و تحلیل داده ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام می شود که بخش آمار توصیفی، شامل جداول و نمودارهای آماری و شاخص های مرکزی و پراکندگی است و بخش آمار استنباطی شامل ضریب همبستگی کندال، آزمون تی (T-test)، آزمون F و آزمون های ناپارامتری (آزمون خی - دو) و تحلیل مدل رگرسیون چند متغیره می شود. در این تحقیق جهت سهولت پردازش و تجزیه تحلیل داده ها از کامپیوتر و نرم افزار آماری SPSS استفاده گردید.

جدول (۱): توزیع میانگین گروه نمونه پژوهش بر حسب میزان اعتماد اجتماعی و هویت های

کلان

آزمون معناداری میانگین با مقدار مطلوب بزرگ تر از ۲		شاخص های آماری				عامل
		انحراف معیار	میانگین	بیش ترین	کم ترین	
معناداری	آماره آزمون					
۰۰۰,۰	۶۶۵,۳۰	۴۳۰۶۴,۰	۶۸۸۴,۲	۴	۳,۱	اعتماد اجتماعی
۰۰۰,۰	۳۹۹,۴۰	۵۵۵۴۹,۰	۱۶۹۸,۳	۰۰,۴	۰۰,۱	هویت مذهبی
۰۰۰,۰	۵۹۶,۴۵	۵۲۱۰۵,۰	۲۳۸۵,۳	۰۰,۴	۵۰,۱	هویت جهانی

همان گونه که در جدول (۱) مشاهده می شود، میانگین اعتماد اجتماعی جوانان شهر دوشنبه ۶۸۸۴,۲ می باشد. که نشان می دهد اعتماد اجتماعی جوانان شهر دوشنبه در حد متوسط به بالا است. برای بررسی این ادعا مقدار معناداری میانگین اعتماد اجتماعی ۰۰۰,۰ است که نشان می دهد این مقدار معناداری کم تر از خطای ۵ درصد است. به عبارتی میانگین اعتماد اجتماعی عددی بزرگ تر از ۲ است. هم چنین مشاهده می شود میانگین هویت مذهبی جوانان ۱۶۹۸,۳ و هویت جهانی با میانگین ۲۳۸۵,۳ می باشد. بنابراین بیش ترین میانگین هویت های جمعی مربوط به هویت جهانی است. به عبارتی مهم ترین (مطلوب ترین) هویت جمعی از نظر جوانان شهر دوشنبه، هویت جهانی است.

آزمون فرضیات

جدول (۲): نتایج رابطه بین هویت جمعی کلان و اعتماد اجتماعی

متغیرها	ضریب همبستگی کندال	معناداری ضریب همبستگی
اعتماد اجتماعی	۰,۱۲۳	۰,۰۰۱
هویت جمعی کلان		

فرضیه اصلی: به نظر می رسد بین هویت جمعی کلان و اعتماد اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی کندال استفاده می شود که نتایج آن در جدول (۲) آورده شده است. همان طوری که در جدول (۲) مشاهده می شود



رابطه بین هویت جمعی کلان و اعتماد اجتماعی برابر با ۰,۱۲۳ و مقدار معناداری آن ۰,۰۰۱ است که از سطح خطای ۵ درصد کم تر است (با توجه به دو دامنه بودن آزمون با ۰/۰۲۵ مقایسه می شود). به عبارتی، بین هویت جمعی و اعتماد اجتماعی یک رابطه مثبت و مستقیم و معنی داری وجود دارد.

فرضیه فرعی ۱: به نظر می رسد جوانانی که به هویت مذهبی تعلق خاطر بیش تری دارند، اعتماد بین شخصی در بین آنان بیش تر است.

همان طوری که در جدول (۳) مشاهده می شود رابطه بین هویت مذهبی و اعتماد بین شخصی برابر با ۰,۱۰۱ و مقدار معناداری آن ۰,۰۰۵ است که از سطح خطای ۵ درصد کم تر است (با توجه به دو دامنه بودن آزمون با ۰/۰۲۵ مقایسه می شود). به عبارتی، بین هویت مذهبی و اعتماد بین شخصی یک رابطه معنی داری وجود دارد. در نتیجه می توان گفت که هر چه جوانان به هویت مذهبی تعلق خاطر بیش تری دارند، اعتماد بین شخصی در بین آنان بیش تر است.

فرضیه فرعی ۲: به نظر می رسد جوانانی که به هویت جهانی تعلق خاطر بیش تری دارند، اعتماد آنها به نظام های انتزاعی بیش تر است. برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی کندال استفاده می شود که نتایج آن در جدول (۳) آورده شده است. همان طوری که در جدول (۳) مشاهده می شود رابطه بین هویت جهانی و اعتماد به نظام های انتزاعی برابر با ۰,۰۸۱ و مقدار معناداری آن ۰,۰۱۲ است که از سطح خطای ۵ درصد کم تر است (با توجه به دو دامنه بودن آزمون با ۰/۰۲۵ مقایسه می شود). به عبارتی، بین هویت جهانی و اعتماد به نظام های انتزاعی یک رابطه مثبت و مستقیم و معنی داری وجود دارد. از آنجائی که میزان وابستگی مثبت است در نتیجه می توان گفت که هر چه جوانان به هویت جهانی تعلق خاطر بیش تری دارند، اعتماد به نظام های انتزاعی آن ها بیش تر است.

جدول (۳): نتایج رابطه بین هویت های مذهبی و جهانی با اعتماد اجتماعی

متغیرها	ضریب همبستگی کندال	معناداری ضریب همبستگی
اعتماد بین شخصی	۰,۱۰۱	۰,۰۰۵
هویت مذهبی		
اعتماد به نظام های انتزاعی	۰,۰۸۱	۰,۰۱۲
هویت جهانی		

جدول (۴): نتایج آزمون ضریب تعیین مدل رگرسیونی هویت های کلان بر شکل گیری اعتماد

اجتماعی

شاخص ها	میزان همبستگی	ضریب تعیین	آماره آزمون	معناداری آزمون
یافته ها	۰,۷۶۹	۰,۵۹۱	۸,۹۲۹	۰,۰۰۰

همان طور که در جدول (۴) مشاهده می شود، ضریب تعیین مدل رگرسیونی ارائه شده ۱,۵۹ درصد می باشد که نشان می دهد که هویت های جمعی ۱,۵۹ درصد اعتماد اجتماعی جوانان را توضیح می دهد. به عبارتی هویت های کلان ۱,۵۹ درصد اطلاعات درباره اعتماد اجتماعی را نتیجه می دهد. آماره آزمون ضریب تعیین دارای میزان معناداری ۰,۰۰۰ است که در مقایسه با خطای ۵ درصد کم تر است.

جدول (۵) نتایج آزمون معناداری همزمان ضرایب مدل رگرسیونی هویت های جمعی و اعتماد اجتماعی را که از طریق تحلیل واریانس انجام می شود نشان می دهد.

جدول (۵): نتایج آزمون معناداری ضرایب مدل رگرسیونی هویت های جمعی و اعتماد اجتماعی

منبع تغییرات	مجموع توان دوم	درجه آزادی	میانگین توان دوم	آماره آزمون	معناداری
رگرسیونی	۶,۰۹۷	۴	۱,۵۲۴	۸,۹۲۹	۰,۰۰۰
خطاها	۶۱,۹۶۵	۳۶۳	۰,۱۷۱		
کل	۶۸,۰۶۲	۳۶۷	---	---	---

جدول (۵) نشان می دهد که هم زمان بر آورد ضرایب مدل رگرسیونی ارائه شده برابر با صفر نیست. به عبارتی نشان می دهد مدل رگرسیونی مناسب است. زیرا مقدار معناداری (۰,۰۰۰) آن کم تر از خطای ۵ درصد است.

جدول (۶) نتایج آزمون معناداری تک تک ضرایب مدل رگرسیونی هویت های جمعی و اعتماد اجتماعی را که از طریق آزمون T انجام می شود نشان می دهد.

جدول (۶): نتایج آزمون معناداری تک تک ضرایب مدل رگرسیونی هویت جمعی کلان و

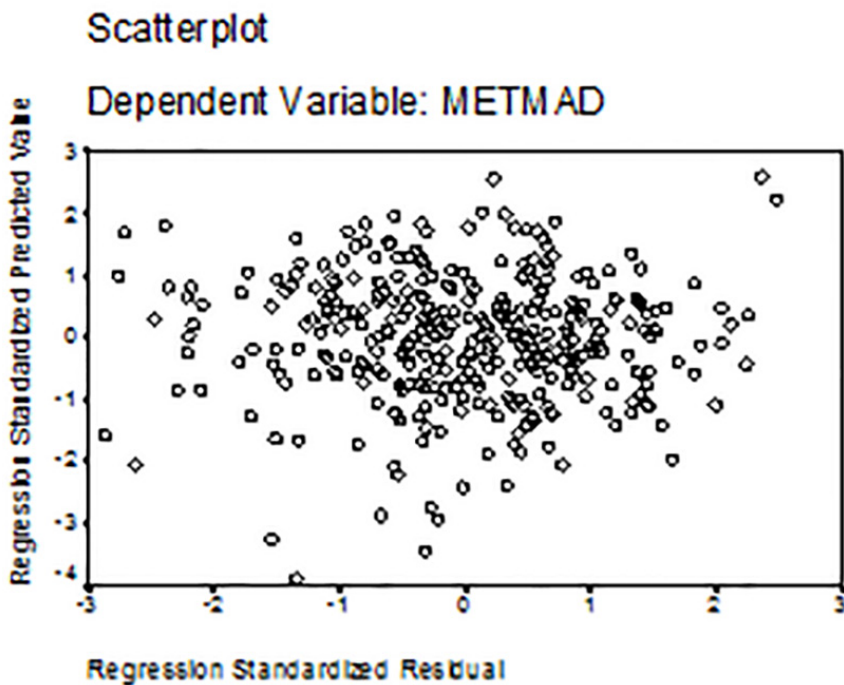
اعتماد اجتماعی

هویت جمعی کلان	ضرایب	انحراف معیار ضرایب	آماره آزمون	معناداری
عرض از مبدأ (ثابت)	۱,۵۴۲	۰,۲۵۴	۶,۲۹۶	۰,۰۰۰
هویت مذهبی	۰,۲۳۴	۰,۰۴۲	۳,۷۹۷	۰,۰۰۰
هویت جهانی	۰,۲۴۳	۰,۰۴۳	۲,۹۹۹	۰,۰۰۲

جدول (۶) نشان می‌دهد که برآورد ضرایب تک تک مدل رگرسیونی ارائه شده برابر با صفر نیست. به عبارتی نشان می‌دهد مدل رگرسیونی مناسب است. زیرا مقدار معناداری (۰،۰۰۰،۰) آن‌ها کم‌تر از خطای ۵ درصد است. مدل رگرسیونی ارائه شده به صورت زیر حاصل می‌شود:

$$Y = 1542 + 0.234X_1 + 0.243X_2$$

که در آن Y اعتماد اجتماعی است. مدل رگرسیونی ارتباط هویت‌های کلان و اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد که علامت کلیه ضرایب مثبت است. به عبارتی هویت جمعی کلان تأثیر مثبت و مستقیمی روی اعتماد اجتماعی جوانان دارند. یعنی با افزایش میزان هویت‌های جمعی میزان اعتماد اجتماعی جوانان بیشتر می‌شود. نمودار (۱) نمودار پراکنش مقادیر خطاهای برازش شده را در مقابل مقادیر پیش‌بینی بدست آمده از مدل رگرسیونی هویت‌های جمعی بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی نشان می‌دهد.



نمودار (۱): مقادیر خطاهای برازش شده مقابل مقادیر پیش‌بینی مدل رگرسیونی رابطه هویت

جمعی کلان و اعتماد اجتماعی

نمودار (۱) نشان می‌دهد از آنجائی که تراکم مشاهدات در نمودار به صورت یک ابر دایره‌ای شکل می‌باشد نتیجه می‌شود که مدل رگرسیونی رابطه‌ی هویت‌های جمعی و اعتماد اجتماعی مدل مناسب با اعتبار بالایی است.

نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادات

در این مقاله، به بررسی رابطه بین هویت جمعی کلان (مذهبی و جهانی) با اعتماد اجتماعی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله (دختر و پسر) شهر دوشنبه پرداخته شد. رویکرد نظری گیدنز به عنوان نظریه غالب جهت بررسی رابطه مذکور مورد استفاده قرار گرفت. میانگین اعتماد اجتماعی جوانان شهر دوشنبه ۶۸۸۴٫۲ بدست آمد. که نشان می‌دهد اعتماد اجتماعی جوانان شهر دوشنبه در حد متوسط به بالا است. به همین ترتیب، میانگین هویت جهانی جوانان شهر دوشنبه ۲۳۸۵٫۳ و هویت مذهبی با میانگین ۱۶۹۸٫۳ می‌باشد و بیش‌ترین میانگین هویت‌های کلان مربوط به هویت جهانی با میانگین ۲۳۸۵٫۳ است، در واقع مطلوب‌ترین هویت جمعی از نظر جوانان شهر دوشنبه، هویت جهانی است.

نتایج به‌دست آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد، جوانانی که به هویت مذهبی تعلق خاطر بیش‌تری دارند، اعتماد آنها از نوع اعتماد بین شخصی است. نتایج به‌دست آمده در آزمون، حاکی از رابطه معناداری در سطح بالا بین دو متغیر است. در نتیجه می‌توان ادعا نمود که هر چه جوانان به هویت مذهبی تعلق خاطر بیش‌تری داشته باشند، اعتماد بین شخصی در بین آنان بیش‌تر است. به‌سختی دیگر هویت مذهبی اعتماد بین شخصی را تقویت می‌کند، کارکرد مذهب ایجاد وحدت است این وحدت از دوستی‌های معمولی و روابط بین خانواده شروع می‌شود و تا ایجاد جامعه ملی گسترش می‌یابد از آنجایی که کارکرد مذهب، ترویج اخلاق انسانی در بین افراد جامعه است از این رو با شکل‌گیری این نوع از هویت جمعی، دوستی و همدلی بین افراد و گروه‌های انسانی ایجاد می‌شود و اعتماد بین فردی در بین آنها تقویت می‌شود. از نظر گیدنز «اعتماد زاینده‌ی مواظبت، و معیار واقع‌بودگی یک دین معین است. همه دین‌ها این بینش را در بر دارند که اعتماد فردی باید تبدیل به یک ایمان همگانی شود و بی‌اعتمادی فردی، شری همگانی تلقی شود. و اصلاح فرد باید به بخشی از عملکرد مناسک آمیز همگانی تبدیل شده و به نشانه قابلیت اعتماد در اجتماع تبدیل گردد» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۲۴).

جوانانی که به هویت جهانی (کلان) تعلق خاطر بیش‌تری دارند، اعتماد آنها به نظام‌های انتزاعی بیش‌تر است. نتایج به‌دست آمده از آزمون فرضیات نشان می‌دهد که بین هویت جهانی و اعتماد به نظام‌های انتزاعی یک رابطه مثبت و

مستقیم و معنی داری وجود دارد. از آنجائی که میزان وابستگی مثبت است در نتیجه می توان ادعا نمود که هرچه جوانان به هویت جهانی تعلق خاطر بیش تری داشته باشند، اعتماد به نظام های انتزاعی در بین آنان بیش تر است. در واقع "جهانی شدن هویت از یک سو وابسته به گسترش ارتباط عمومی است و از سوی دیگر ارتباط همگانی نیز منوط به شکل گیری هویت عام است" (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۰). گیدنز معتقد است «با کاهش نفوذ سنت و توسعه مدرنیته همراه با تفکیک و انسجام اجتماعی، امکان تحقق هویت های جمعی چندگانه و آزادی افراد در انتخاب آگاهانه و خردمندانه آن ها پدید می آید» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۸۰). با توجه به یافته ی بدست آمده در این پژوهش مبنی بر تعلق خاطر بیش تر جوانان تاجیک به هویت جهانی، شاید بتوان این نظر را به جامعه در حال توسعه تاجیکستان که سنت گرایی و مدرنیته در آن با هم در حال تقابل اند، تعمیم داد، که با کاهش نفوذ سنت و توسعه مدرنیته در آینده شاهد تحقق هویت های چندگانه در بین جوانان باشیم. در بررسی فرضیه اصلی پژوهش با عنوان؛ رابطه ی هویت های جمعی کلان با اعتماد اجتماعی جوانان، نتایج مدل رگرسیونی نشان می دهد که علامت کلیه ضرایب مثبت است. به عبارتی، هویت های جمعی کلان رابطه مثبت و مستقیمی با اعتماد اجتماعی جوانان دارند. یعنی با افزایش میزان هویت های جمعی کلان (مذهبی و جهانی) اعتماد اجتماعی جوانان بیش تر می شود. در این پژوهش بین هویت جمعی کلان و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. نتیجه فرضیه حاضر با نظریه گیدنز که محور اصلی در این پژوهش است بیش ترین سازگاری را دارد، براساس آن نظام اجتماعی شامل: نهادها، هنجارها و کنش هاست. که این نظام اجتماعی در تعامل عاملیت و ساختار منجر به یکپارچگی و انسجام می گردد، در این نظریه یکپارچگی در شاخص های شخصیت، هویت، روابط ساختار و هیجانات جمعی است که در طول زمان و مکان به اعتماد می انجامد. اعتماد هم شامل؛ اعتماد به افراد خاص، اعتماد عمومی و اعتماد به نظام های انتزاعی است. از سوی دیگر، با شکل گیری نظام شخصیتی افراد، هویت جمعی در معنای عام آن در بین کنش گران ایجاد می گردد، با عنایت به تعامل کنش گران و توجه به اهدافی که آنان در زندگی دارند پیوندهای عقلانی بین آنان برقرار و از خلال این پیوندها به اهداف مورد نظرشان می رسند که در نهایت منجر به شکل گیری اعتماد اجتماعی در جامعه می گردد. هم چنین هویت های جمعی همان طور که در این پژوهش حاصل شد با اعتماد اجتماعی جوانان رابطه ی معنادار بالائی دارد. بنابراین بررسی تجربی فرضیه های این پژوهش که برگرفته از مدل نظری گیدنز است در سطح معناداری بالائی تأیید گردید، که

نشان دهنده اعتبار نظریه ساختار- عاملیت گیدنزاست.

بر این اساس پیشنهادات زیر مطرح می شود:

- ✓ به منظور آگاهی از کاهش یا افزایش اعتماد اجتماعی در مقاطع مختلف زمانی، انجام تحقیقات طولی در فواصل زمانی مناسب، ضروری به نظر می رسد.
- ✓ به پژوهش گرانی که قصد تحقیق در این زمینه را دارند پیشنهاد می گردد پژوهشی در بین دیگر گروههای اجتماعی از قبیل نوجوانان و... به عمل آید.
- ✓ از آنجا که اعتماد یکی از شاخص های سرمایه اجتماعی است، بنابراین بررسی رابطه سرمایه اجتماعی در جامعه تاجیکستان با ابعاد گوناگون در سطوح مختلف احساس می گردد.
- ✓ از آنجا که اعتماد نهادی یکی از راههای تقویت ثبات، انسجام و همبستگی اجتماعی می باشد و توسعه ملی در گرو این موضوع و تعادل روابط اجتماعی بین دولت و ملت است لذا تقویت اعتماد اجتماعی ضرورت مهم امروز جامعه تاجیکستان می باشد.

- امیر کافی، مهدی، (۱۳۸۰)، اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن، نمایه پژوهش شماره ۱۸، نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران.
- اشتومپکا، پیوتر، (۱۳۸۷)، اعتماد: نظریه‌ی جامعه‌شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، نشر شیرازه، تهران.
- برتون، رولاند، (۱۳۸۰)، قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، نشر نی، تهران.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۹)؛ روانشناسی نوجوانان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پاتنام، روبرت، (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دل‌فروز، دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور، مرکز نشر روزنامه سلام، تهران.
- توسلی، غلامعباس و یارمحمد قاسمی، (۱۳۸۳)، هویت‌های جمعی و جهانی شدن، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، (نامه علوم اجتماعی) شماره ۲۴، تهران.
- - تونکیس، فرانک، (۱۳۸۷)، اعتماد و سرمایه اجتماعی، ترجمه محمد تقی دلفروز، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران
- تاج‌بخش، کیان، (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، نوشته رابرت پاتنام و دیگران، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه، تهران.
- جلبی، مسعود، (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، چاپ اول، نشر نی، تهران
- حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی هویت ایرانی، مرکز نشر گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مجمع تشخیص مصلحت، چاپ اول، تهران.
- شیخاوندی، داور، (۱۳۷۹)، وفاق اجتماعی و همبستگی ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره پنجم، تهران.
- عباسی قادی، مجتبی. خلیلی کاشانی، مرتضی، (۱۳۸۷)، بررسی تأثیر اینترنت به هویت ملی کاربران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران.
- عبدالهی محمد، (۱۳۷۶)، بحران هویت، دینامیسم، مکانیسم و تحول هویت جمعی در ایران، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹). پایان نظم؛ سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، جامعه ایرانیان، تهران.
- فیلد، جان، (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، ترجمه جلال متقی، چاپ اول، موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، تهران.
- قاسمی، یارمحمد، (۱۳۸۲)، هویت جمعی، وضعیت و فرایند تحول آن در ایلام- ایران، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

- کلمن، جیمز، (۱۳۹۰)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ سوم، تهران.
- کاستلز، امانوئل، (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه، فرهنگ، قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، جلد دوم، چاپ سوم، نشر طرح نو، تهران.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)؛ جهانی شدن - هویت، فرهنگ، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز، چاپ اول، تهران.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۲)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ نهم، نشر نی، تهران.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۳)، تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، چاپ سوم، تهران.
- محمدبخش، بهمن، و دیگران، (۱۳۸۹)، جهانی شدن و هویت ملی دانشجویان دانشگاه تبریز - ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۳، تهران.
- وثوقی، منصور و هاشم آرام، (۱۳۸۸)، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر خلخال (استان اردبیل) - ایران، پژوهش نامه اجتماعی، سال سوم، شماره سوم، تهران
- نش، کیت، (۱۳۸۲)؛ جامعه شناسی سیاسی معاصر، مترجم: محمد تقی دلفروز، انتشارات کویر، تهران.
- Fukuyama, F. (1995) Trust: the social virtues and the creation of prosperity, Hamish Hamilton, London. Pg: 25-26.